

«چشم به راه میرغضب»، «در انتظار گودو» ایرانی

تهران (پانا) - نمایش «چشم به راه میرغضب» نوشته و کار حسین کیانی در دوشنبه‌های نقد تئاتر نقد و بررسی شد.

به گزارش کانون ملی منتقدان تئاتر ایران، نشست بررسی نمایش «چشم به راه میرغضب» به نویسندگی، طراحی و کارگردانی حسین کیانی شامگاه دوشنبه سوم تیرماه با حضور رضا آشفته و آناهیتا زینی‌وند در قالب «دوشنبه‌های نقد کانون ملی منتقدان تئاتر ایران» در تماشخانه سنگلج برگزار شد.

حسین کیانی سرپرست گروه تئاتر چریکه، در مورد چگونگی نوشتن این متن گفت اقتباس از آثار خارجی جزو علایق او محسوب می‌شود و این اثر هم بیشتر از پیرنگ نمایشنامه «در انتظار گودو» ساموئل بکت و نه از تیم آن نشأت می‌گیرد که خودش این روند را «ترجمه فرهنگی» می‌نامد، بدین معنا که اثری از فرهنگی به فرهنگی دیگر ترجمه شود.

او اذعان کرد بعد از نمایش «روز عقیم»، نمایشنامه‌های «خرنامه نصرالدین» و «ملا» و «زبان اموات» را به شورای نظارت داده که مورد تایید واقع نشده و سپس این متن را برای اجرا در نظر گرفته است.

او گفت: در «چشم به راه میرغضب»، دو داستان گنجانده شده است، یکی داستان رضی و ذبیح و دیگری داستان مستنطق و سیاه که در راستای یکدیگرند.

این نویسنده نام دیگر این نمایش را «یک مضحکه سیاه» نامید و گفت: در این اثر فجیع‌ترین و شنیع‌ترین موضوع در جهان هستی که سر بردن انسان است، به نمایش درمی‌آید و این مورد در این نمایش محوریت دارد و گروتسک و وار فضا را اشباع می‌کند. تکرار این موضوع دهشت و طنز را توامان در نمایش به وجود آورده است. تا آن جا که حتی در انتهای نمایش، آن‌ها آرزو می‌کنند سرشان بریده شود و شخصی باشد که این دستور را صادر کند.

نویسنده و کارگردان «چشم به راه میرغضب» گفت زمانی که تصمیم به کار یک نمایش می‌گیرد، صحنه و دکور نمایش در ذهنش مجسم می‌شود و همزمان با نوشتن، صحنه را طراحی می‌کند.

کیانی نمایش را به مثابه ابزاری برای مطالعه تاریخ دانست و تصریح کرد: تئاتر همراه با مدرسه و روزنامه ابزار ترقی بشر هستند و افسوس می‌خورم که این ایام فقط نمایش با چهره‌های سینمایی پرطرفدار است و این روالی مضر و فاجعه‌آمیز برای جامعه است. به سالن‌های نمایشی نگاه کنید که به سالن‌های مد لباس تماشایان تبدیل شده است. من این مشکل را درون خود آدم‌های تئاتر می‌بینم. تماشاگرانی که مشتری تئاتر محسوب می‌شوند و برای دیدن تئاتر نیامده‌اند بلکه برای گرفتن عکس سلفی با بازیگران چهره آمده‌اند.

حسین کیانی از بازیگران متعهدش که تئاتر را فقط برای خود تئاتر می‌خواهند، تشکر کرد.

در ادامه آناهیتا زینی‌وند، از اعضای کانون ملی منتقدان تئاتر ایران در مورد این متن گفت: پیوستگی بین کاراکترهای

نمایش که همگی در بین مردم ما وجود دارند، تقلید محض از جامعه و پذیرفتن موقعیت بدون تفکر، تلنگری به اجتماع و بی‌هویتی افراد است. هم چنین عنصری نمادین و سمبولیک در متن جاری است، شخصیت‌ها که همه سمبولی از افراد و صحنه که بیانگر استخر است. این‌ها در نهایت ما را با فضایی نمادین مواجه می‌کنند.

زینی‌وند با اشاره به ریتم کند نمایش در بعضی قسمت‌ها گفت: گویی بطالت و بیهودگی را به اثبات می‌رساند. در متن داستانی‌های دیده می‌شود که کنایه از خودکامگی و فردگرایی حتی تا لحظه مرگ است که این مورد به شکل دوار دیده می‌شود.

رضا آشفته، منتقد و پژوهشگر نیز حسین کیانی را از سرآمدان دو جریان تئاتر اجتماعی و تئاتر ملی (ایرانی) دانست که بارها در این زمینه متن‌هایی نوشته و خودش اجرا کرده است و این بار نیز برداشتی دور از انتظار گودو و بکت را نوشته و در سنگلج اجرا می‌کند. در این جا آن دو ولگرد در حاشیه شهر، تبدیل به دو مرد متشخص شده‌اند و به جای پوتزو، مستنطق و به جای لاکو شخص سیاه و به جای بچه، شخص فراش در نظر گرفته شده است. او به متافیزیکی بودن گودوی خیالی اشاره کرد که در این جا به موجودی فیزیکی و یک انسان تحت عنوان میرغضب تبدیل شده که در فرآیند نمایش، با مرگ او در یک توالت، جهت‌دهی‌ها از او یک فرد آرمانی می‌سازد که این دو رجال سیاسی؛ ذبیح (شاه) پسند و مرتجع با بازی علی سلیمانی) و رضی (مشروطه‌خواه با بازی سیروس همتی) رو به پایان نمایش، آرزوی مرگ به دست چنین موجود عجیب و غریبی را می‌کنند.

این منتقد متن را دچار دگرگونی ماهوی دانست که در آن از ابعاد فلسفی انتظار گودو و بکت کاسته شده و با آن که در انتظار گودو؛ ضد سیاست حاکم بر اروپای تا دو جنگ جهانی اول و دوم هست، در این جا سیاست در سطح و لایه اصلی نمود می‌یابد و در شناخت و روان‌شناسی اجتماعی افراد است که ابعاد فلسفی از درک موقعیت نشات می‌گیرد.

زینی‌وند نیز در این نشست، در مورد اجرا گفت که بازی‌ها روان و گرم پیش رفت. نقش بازیگر سیاه و بازی او را متفاوت دیده بود که هم تراژیک و هم کمیک بازی کرد. در مورد بروشور نمایش گفت که بسیار جذاب و مناسب با نمایش طراحی شده، دو شخصیت که سوار موجودی هیولاوار شده‌اند و او به آن‌ها سواری می‌دهد. او طراحی دکور را تلفیقی از گذشته و امروز دانست، تنه‌های درخت بریده در صحنه که نشان از آدم‌های بی‌سر و بی‌وجود است که در تکمیل همان شرایط نمادین می‌کوشد.

رضا آشفته، به ماهیت سه‌گانه اجرا اشاره کرد که اگر این سه به موازات هم پیش برود آن گاه اجرا از زبان گویاتر و تاثیرگذارتری برخوردار خواهد بود.

او گفت: در اجرای فعلی، یک بخش کمدی داریم که بین هجو و طنز در گذر است و ما را دچار لبخند و گزندگی ناشی از آن‌ها می‌بینیم خواهد کرد و بازیگرها تلاش‌شان را کرده‌اند. وجه تراژدی هنوز هم باید تقویت شود، به ویژه در لحظه‌ای که سیاه مونولوگ معروف و شبیه به مونولوگ لاکو؛ در انتظار گودو؛ را ابراز می‌کند. چون در این جا به لحاظ تکنیکی به سمت تعزیه می‌رود جا دارد که حتما حس و حالت هم بعد تراژدی کامل‌تری به خود بگیرد. بعد سوم نیز همان گروتسک است که با صدای گربه‌های خون شام و دله و پرواز کبوتران در صحنه یادآوری می‌شود و این زمینه‌چینی از آغاز هم با رفتار فراش و خفگی دو مرد برای چند ثانیه فراهم می‌شود اما همچنان باید بر این هولناکی فضا بیشتر تاکید شود تا ترس در وجودمان ته‌نشین شود و ما متأثر از این حال و هوا بیشتر در جریان موقعیت‌ها و شرایط قرار بگیریم.

کیانی اشاره کرد که مثل تئاترهای یونان باستان نمی‌خواهد خشونت را در صحنه عیان کند و گرنه می‌توانست آن جا را تبدیل به استخر خون کند و در صحنه سرهای بریده فراوانی را نمایان سازد مگر هدف اشاره باشد که می‌پذیرد.

در این نشست سیروس همتی از رسانه‌ها و منتقدان درخواست کرد که در این شرایط بحرانی که همه جای تئاتر

اصل و تقلبی را اشتباه گرفته‌اند؛ دوباره مردم را ترغیب کنند که مثل گذشته با اشتیاق به سراغ تئاتری بیایند که یک گونه‌اش تئاتر ایرانی است که ریشه در این سرزمین دارد.

حسین کیانی هم در ادامه درخواست سیروس همتی تاکید کرد که من از بازیگرانم سپاسگزارم که با من همراهی کرده‌اند چون می‌توانستند در همان تئاتر مشتری‌پسند درآمدهای بالایی داشته باشند اما این‌ها هم مثل من دغدغه‌هایی دارند که ترجیح می‌دهند هنوز در شکل درستش تئاتر بازی کنند.

رضا آشفته نیز در جمع‌بندی‌اش اظهار امیدواری کرد که به تدریج شرایط تئاتر به همان روال عادی و معمول و مطلوبش نزدیک‌تر شود.

نمایش چشم به راه میرغضب؛ که در خلاصه داستان آن آمده است: ذبیح و رضی یکی مستبد و دیگری مشروطه‌خواه در دوره استبداد صغیر محمدعلی شاه به اعدام محکوم می‌شوند؛ با بازی علی سلیمانی، سیروس همتی، وحید نفر، مجید رحمتی، سهیل ملکی هرشب به جز شنبه‌ها ساعت ۲۰:۳۰ در تماشاخانه سنگلج روی صحنه می‌رود.